

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

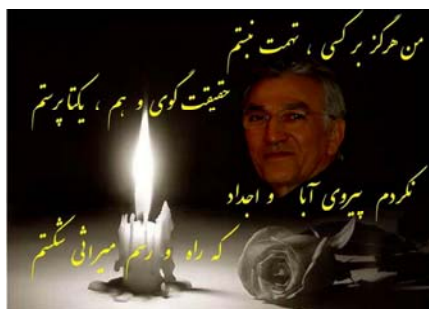
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
۳۱ جنوری ۲۰۲۰



چَشک و چَرش

بسکه گلایه رسید از شیخ و شاب
از در و دیوار سوال و جواب
مست شدم مست و دریدم قطاب
پاره ز گفتار نمودم حجاب
(هروی) را باز نموده خطاب
درد دل ما و شما ای جناب
لنډش و با شکوه و قهرو عتاب
گه سخن از گلرخکان شواب
گه ز انار و گهی سیب و عناب
پیکر خورشید و رخ ماهتاب
چاک گریبان شده باز از صواب
از چَشک و از چَرش و استلاب
مالش و از نالش و از پیچ و تاب
خانه و پسخانه و بر تخت خواب
«نعمت» ازین بیش مباد انقلاب

صفحه فیسبوک شدی در عذاب
قافیه بشکست چو جام شراب
از غم و اندوه و آلم اجتناب
دور ز هر واژه فگندم نقاب
خامه به جولان و چنیش جواب
گفته به هم تا که یگان، چاره یاب
خنده و با شوخی بس بیحساب
گپ ز مُل و باده و کارِ ثواب
گه ز زبان و ز لب و از رضاب
چون گل بشکفته ای بر روی آب
سر زده ای وای دو تا آفتاب
باسن و از سینه و ران، با شتاب
مستی و از سستی و حالِ خراب
از چک و ناوه و چند قطره آب
نقطه ای بگذار و نما اجتناب

قِطَاب = یقه ، گریبان

لَنَدِش = شکایت، شکوه، غرغر، غرولند، نقنق، سخن کردن در زیر لب از غایت غضب

شَوَاب = شابه، زن جوان، زن جوان از سیزده تا سی سالگی.

رَضَاب = آب دهن مکیده یا پاره های آب دهن در دهن مثلاً:

(چون اشک به روی عاشقان روان و رخشان و چون شمع بر بالین معشوق ریزان و درخشان، آرزومندتر از شراب

وصل نازکان و سودمندتر از رَضَاب لعل یارگان و مجازاً، عسل ، کفک شهد ، لعاب عسل)

اِسْتَلَاب = ربودن، دزدیدن